

گزارش

مجلس سراخ تراستی‌ها رفت: تحقیق و تفحص از محرمانگی فروش نفت تا ابهام در بازگشت ارز

بهارستان در تعقیب تراستی‌ها

وحیده کریمی: سه طرح تحقیق و تفحص درباره فروش نفت و انتخاب تراستی‌ها در کمیسیون انرژی، در حال نهایی‌شدن است. بنابراین نمایندگان درباره مبنای انتخاب واسطه‌ها، تخفیف‌های احتمالی، تعهدات خریداران و مهم‌تر از همه، سرنوشت پول نفت سؤال دارند و به دنبال بازگرداندن پول میلیون‌ها بشکه نفت فروخته‌شده هستند. فروش نفت در تحریم، داستانی است که یک سر آن به دوزدن محدودیت‌های خارجی می‌رسد و سر دیگرش باید به بازگشت پول به کشور ختم شود. مسئله اما زمانی آغاز می‌شود که میان این دو نقطه، زنجیره‌ای از واسطه‌ها شکل می‌گیرد که درباره هویت، نحوه انتخاب، میزان تعهد و عملکردشان اطلاعات محدودی در اختیار افکار عمومی و حتی برخی نمایندگان قرار دارد. اینجا همان جایی است که «محرمانگی» می‌تواند از یک ضرورت تحریمی به یک پرسش نظارتی تبدیل شود؛ چه کسی نفت را می‌فروشد، با چه قیمتی، به چه کسی و چه زمانی پول آن را برمی‌گرداند؟ حالا مجلس دقیقاً سراغ همین نقطه رفته است. کمیسیون انرژی مجلس سه طرح تحقیق و تفحص درباره فرایند فروش نفت، نحوه انتخاب تریدرها و عملکرد تراستی‌ها را بررسی کرده و قرار است این سه طرح پس از هماهنگی و تلفیق، بار دیگر در کمیسیون دنبال شود. اگر توضیحات وزارت نفت نمایندگان طراح را قانع نکند، پرونده به هیئت‌رئیس‌ه مجلس خواهد رفت. البته وزیر نفت در آستانه نهایی‌شدن این تحقیقات از سمت خود کنار رفته و فعلاً وزارتخانه مهم نفت با سرپرست اداره خواهد شد. رضا سپهوند، سخنگوی کمیسیون انرژی، گفته است که نماینده، شریعتی، بیگدلی و صمصامی، مسلمان و جانش‌های مربوط به تراستی‌ها، فروش نفت و نحوه انتخاب تریدرها و تاجار حوزه نفت و گاز را از سال ۱۳۹۷ تاکنون مطرح کرده‌اند. به گفته او، در جلسه کمیسیون از مسئولان وزارت نفت سؤال شده و اعضای کمیسیون نیز پرسش‌های تکمیلی خود را مطرح کرده‌اند. اما اهمیت ماجرا در خود «تفحص» نیست؛ در سؤال‌هایی است که قرار است پاسخ داده شود.

نفت فروخته می‌شود؛ پولش چه می‌شود؟

در شرایط تحریم، فروش نفت بدون واسطه و از مسیرهای معمول، عملاً با محدودیت‌های جدی روبه‌رو است. بنابراین استفاده از شبکه‌های واسطه و تراستی‌ها به‌خودی‌خود موضوعی غیرعادی نیست، حتی نثاری، عضو کمیسیون عمران مجلس و عضو کارکسیون نفت و انرژی، تأکید کرده فروش نفت به دلیل انطباق تحریم با رویه‌های خاصی انجام می‌شود و منابع حاصل نیز برای واردات کالاهای اساسی و نیازهای کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما نثاری در عین حال از یک ضرورت دیگر سخن گفته است؛ یعنی همان اصلاح ساختاری در تأمین و بازگشت پول نفت. او گفته است نمایندگان به دنبال کاهش نقش واسطه‌ها و ایجاد فرایندی شفاف برای بازگشت منافع منابع نفتی هستند تا از ابهام در این زنجیره جلوگیری شود. در واقع، اختلاف بر سر اصل وجود واسطه نیست؛ پرسش درباره قدرت و اختیار واسطه‌هاست. اینکه تراستی تا کجا اختیار دارد، چه تضمینی برای انجام تعهداتش وجود دارد، اگر پول نفت دیر برگردد چه اتفاقی می‌افتد و اگر اصلاً نبرگردد، چه کسی مسئول است؟ این همان نقطه‌ای است که یک پرونده اقتصادی می‌تواند به مسئله‌ای در سطح حکمرانی منابع عمومی تبدیل شود.

محرمانگی؛ ضرورت یا سیر؟

جعفر قادری، نماینده شیراز، یکی از محورهای تحقیق و تفحص را نحوه انتخاب تراستی‌ها عنوان کرده است. سؤال او مشخص است: «مبنای انتخاب تراستی‌ها از سوی بانک مرکزی و شورای عالی امنیت ملی چه بوده است؟». قادری گفته است این اطلاعات تاکنون محرمانه تلقی شده و به اعتقاد او، همین محرمانگی زمینه ایجاد رانت برای برخی تراستی‌ها را فراهم کرده است. البته ایسن ادعا، موضوع یک نماینده مجلس است و اثبات یا رد آن نیازمند بررسی رسمی است. اما حتی فارغ از نتیجه نهایی، پرسش مطرح‌شده روشن است: «محرمانگی دقیقاً باید از چه چیزی محافظت کند؟ از مسیر انتقال نفت و پول؟ یا از هویت و عملکرد واسطه‌ای که منابع کشور را در اختیار دارد؟». قادری گفته است اگر تراستی‌ها دولتی یا وابسته به نهادهای حاکمیتی باشند، می‌توان انتظار داشت منافع حاصل از فروش و انتقال پول در نهایت به دولت یا بخش عمومی بازگردد؛ اما به گفته او، بخشی از تراستی‌ها غیردولتی هستند و همین مسئله، نحوه انتخاب و نحوه بر خورد با آنها را به موضوعی قابل بررسی تبدیل کرده است. این نماینده همچنین گفته است بخشی از اتفاقات دی‌ماه سال گذشته، به عملکرد نامناسب یا سوءاستفاده تراستی‌ها مربوط بوده و تحقیق و تفحص باید روشن کند این افراد بر چه مبنایی انتخاب شده‌اند و در صورت عمل‌نکردن به تعهدات، چه سازوکاری برای برخورد با آنها وجود دارد.

۸۰ میلیون بشکه؛ عددی که سؤال ساخت

یکی از نقاط حساس پرونده، موضوع مجوز فروش ۸۰ میلیون بشکه نفت به چند تراستی پس از تفاهم‌نامه اسلام‌آباد است؛ موضوعی که قادری گفته در تحقیق و تفحص بررسی خواهد شد. او در عین حال تأکید کرده است ایران در شرایط تحریم قرار دارد و نباید کانال‌های انتقال پول و نفت افشا شود. اما از نگاه او، محرمانگی نباید به معنای آن باشد که تعداد محدودی تراستی از این شرایط منتفع شوند و کشور با مشکل مواجه شود. پرسش قادری درباره یک موضوع مشخص است، «چرا پول به‌موقع برگشته‌اند؟ و پرسش بعدی شاید حتی مهم‌تر باشد: «آیا برای تأخیر در بازگشت پول سازوکاری وجود داشته یا زمان بازگشت ارز عملاً در اختیار تراستی قرار گرفته است؟». اگر پاسخ این سؤال روشن نشود، بخش مهمی از ابهام پرونده نیز روشن خواهد شد.

مجلس از «تخلف» تا «استرداد پول» چه می‌خواهد؟

حسین صمصامی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس نیز پیش‌تر از کلید‌خوردن طرح تحقیق و تفحص از شرکت ملی نفت خبر داده بودو. او اهداف این طرح را ارزیابی حجم تخلفات، بازپس‌گیری اموال ملت، برخورد با آمران، مجریان و واسطه‌های پشت پرده و اصلاح فرایندها برای جلوگیری از تکرار موارد مشابه عنوان کرده است. صمصامی در اظهاراتی دت‌تر، درباره آنچه در شبکه فروش نفت و تراستی‌ها رخ داده، مدعی شده است موضوع فراتر از خطای تجاری با ضعف مدیریتی است و آن را به ادعای خود نشانه‌ای از «خط نفوذ سازمان‌یافته» دانسته است. او همچنین درباره واگذاری ده‌ها میلیون بشکه نفت به اشخاص غیرایرانی و واسطه‌های فاقد اهلیت، اعمال قوانین کشور‌های خارجی در قرارداده‌ها و تحویل نفت بدون تضمین در مبدأ به شرکت‌هایی که به گفته او هم‌زمان خریدار و حمل‌کننده بوده‌اند، پرسش‌هایی را مطرح کرده است. این ادعاها هنوز در مرحله بررسی قرار دارند و نمی‌توان آنها را نتیجه قطعی یک تخلف دانست، اما اهمیت آنها در این است که بخشی از نمایندگان مجلس اکنون خواهان پاسخ رسمی به همین پرسش‌ها هستند. صمصامی همچنین تأکید کرده است محرمانگی فرایندهای مقابله با تحریم نباید به پوششی برای تضییع منابع کشور تبدیل شود.

گزارش کامل را در سایت شرق بخوانید

«شرق» گزارش می‌دهد؛ گسترش تکاپوهای دیپلماتیک منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از سرگیری میان ایران و آمریکا

ماراتن میانجیگری

سرلشکر عبداللهی: آتش هر جنگ جدیدی علیه ایران، دامن همه را می‌گیرد



موسی محمد:هم‌زمان با افزایش شائبه‌ها و گمانه‌زنی‌ها درباره احتمال ازسرگیری درگیری میان ایران و آمریکا،نشانه‌ای شایان تأمل در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی خودنمایی می‌کند؛ موجی از اعلام آمادگی کشورها برای میانجیگری و تلاش برای گشودن دوباره مسیرهای دیپلماتیک. از چین و روسیه تا قطر، عراق، الجزایر و… هر یک به شکلی از آمادگی خود برای ایفای نقش در کاهش تنش و نزدیک‌کردن دیدگاه‌های تهران و واشینگتن سخن گفته‌اند. این هم‌زمانی میانجیگری‌ها صرفاً یک اتفاق دیپلماتیک معمولی نیست و می‌تواند نشانه‌ای از جدی‌ترشدن نگرانی‌ها درباره آینده بحران تلقی شود. این در حالی است که کشورهای همچون پاکستان، عمان و مصر نیز طی این مدت در قالب‌های مختلف، به‌طور جدی درگیر رایزنی، انتقال پیام و تلاش‌های میانجیگرانه میان طرف‌های درگیر بوده‌اند. به بیان دیگر، همان‌قدر که احتمال تشدید رویارویی در محاسبات سیاسی و رسانه‌ای پررنگ‌تر می‌شود، تلاش برای مهار آن نیز ابعاد گسترده‌تری پیدا می‌کند. این هم‌زمانی معنادار است؛ چراکه میانجیگری معمولاً زمانی شدت می‌گیرد که فاصله میان دیپلماسی و تقابل، بیش از هر زمان دیگری شکننده شده باشد. از این منظر، تکاپوی پایتخت‌های مختلف را می‌توان تلاشی پیشگیرانه برای جلوگیری از ورود بحران به مرحله‌ای دانست که بازگرداندن آن به مسیری گفت‌وگو دشوارتر خواهد شد. با این حال، افزایش تعداد میانجی‌ها لزوماً به معنای افزایش احتمال موفقیت میانجیگری نیست. مسئله اصلی آن است که آیا هنوز برای دیپلماسی، فضای کافی برای اثرگذاری وجود دارد یا نه؟ مجموعه روایت‌ها، سناریوها و گمانه‌هایی که این روزها درباره بحران شکل گرفته، از مقطعی حکایت دارد که شاید بتوان آن را «منطقه میانجی ناپذیر» نامید. در چنین نقطه‌ای، عمل بی‌اعتمادی، مطالبات متعارض، ملاحظات امنیتی و محاسبات میدانی می‌توانند حتی فعال‌ترین میانجی‌ها را نیز با محدودیت مواجه کنند. از این‌رو، استقبال از هر تلاش دیپلماتیک و میانجیگرانه، بیش از آنکه یک انتخاب سیاسی باشد، ضرورتی برای جلوگیری از هزینه‌های یک رویارویی تازه است. اکنون شاید مهم‌ترین فرصت، پیش از آنکه بحران وارد مرحله‌ای برگشت‌ناپذیر شود، همین کانال‌های دیپلماتیکی باشد که هنوز باز مانده‌اند. هرچه این پنجره دیرتر مورد استفاده قرار گیرد، هزینه بازگرداندن بحران به میز مذاکره نیز سنگین‌تر خواهد شد.

نگاه‌ها دوباره به یکن دوخته شده است؟

در ماراتن پیچیده میانجیگری کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، چین بیش از هر زمان دیگری در جایگاهی قرار گرفته که می‌تواند بر مسیر معادلات تهران-واشینگتن و تحولات دیپلماتیک خاورمیانه اثرگذار باشد؛ به هر حال یکن پیش‌تر با میانجیگری میان ایران و عربستان نشان داد می‌تواند در پرونده‌هایی که سال‌ها درگیر رقابت و بی‌اعتمادی بوده‌اند، نقشی متفاوت ایفا کند و اکنون بار دیگر نام یکن در بحث پایان‌دادن به تنش میان ایران و آمریکا مطرح شده است. این نقش در روزهایی اخیر از چند مسیر مورد توجه قرار گرفته است. ترتیباً پارسی، معاون اجرایی اندیشکده کوئینسی در واشینگتن، در گفت‌وگو با «انتخاب» گفته است یکی از اتفاقات پیش‌بینی‌نشده‌ای که می‌تواند موضوع دونالد ترامپ را تغییر دهد، ورود چین برای پایان‌دادن به جنگ است. به گفته او، چین از معدود بازیگرانی است که ترامپ آن را «واقعاً جدی» می‌گیرد و رئیس‌جمهوری آمریکا در مواجهه با شی جین‌پینگ، رفتار متفاوتی دارد. پارسی در عین حال تصریح کرده یکن تاکنون تمایل آشکاری برای برعهده‌گرفتن چنین نقشی نشان نداده است. در همین حال، علی اکبر صالحی، وزیر امور خارجه چین ایران و رئیس سابق سازمان انرژی اتمی، پیشنهاد برگزاری یک نشست سه‌جانبه میان ایران، آمریکا و چین را مطرح کرده است. صالحی معتقد است اگرچه فرصت حضور هم‌زمان مقام‌های ایرانی و چینی در آمریکا از دست رفته، اما اصل ایده همچنان موضوعیت دارد و زمان و مکان آن می‌تواند تغییر کند. او نقش چین را نه صرفاً در مقام میانجی، بلکه به عنوان «ضامن» احتمالی یک توافق میان تهران و واشینگتن مورد توجه قرار داده و چنین ابتکاری را اقدامی بسیار مهم در مناسبات بین‌المللی توصیف کرده است. هم‌زمان، وزیر یکن نیز در موضع‌گیری‌های رسمی اخیر، بر مسیر دیپلماسی تأکید کرده است. گائو جیاوک، سخنگوی وزارت خارجه چین، چهارشنبه گذشته از ایران و آمریکا خواسته است به چارچوب تفاهم‌نامه اسلام‌آباد بازگردند و مذاکرات و گفت‌وگوها را هرچه سریع‌تر از سر بگیرند. او همچنین گفته است چین از نخستین روز جنگ برای کمک به پایان درگیری و پیشبرد مذاکرات صلح تلاش کرده و به تلاش‌های خود برای برقراری صلح و آرامش در خاورمیانه و منطقه خلیج فارس ادامه خواهد داد. اهمیت نقش چین اما فقط به رابطه تهران و واشینگتن محدود نمی‌شود. تا سال ۲۰۲۳ میان ایران و عربستان که با میانجیگری یکن حاصل شد، مهم‌ترین نمونه از ورود چین به یک مناقشه دیرپای منطقه‌ای بود. این توافق دو کشور را به اصولی مانند احترام به حاکمیت و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر متعهد کرد و به ازسرگیری روابط دیپلماتیک انجامید. اکنون، در شرایطی که آینده آن توافق نیز تحت تأثیر تحولات اخیر قرار گرفته، ترکی الفیصل، رئیس پیشین دستگاه اطلاعات عربستان، بار دیگر بر مسئولیت یکن تأکید کرده است. او در گفت‌وگو با «عرب‌نیوز» گفته چین، به عنوان کشوری که تهران و ریاض از آن طرف‌ها هستند، می‌تواند نقشه‌ای را که در زمان ایفا کرد، ادامه دهد. الفیصل در عین حال تأکید کرده اعتماد آینده میان ایران و عربستان باید بر اساس اقدامات قابل مشاهده ایران شکل بگیرد. از این منظر، نقش چین اکنون در دو سطح قابل مشاهده است: نخست، حفظ و احیای کانال‌های گفت‌وگو میان ایران و آمریکا و دوم، تلاش برای جلوگیری از فروپاشی مسیر تنش‌زدایی میان ایران و کشورهای عربی. اینکه یکن تا چه اندازه حاضر باشد از نفوذ اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک خود برای پیشبرد این روند استفاده کند، همچنان پرسشی باز است. اما در واقع، هر چه چین در معادلات دیپلماتیک خاورمیانه دیگر صرفاً یک ناظر بیرونی نیست و بازیگران مختلف، از تهران و ریاض تا واشینگتن، نقش آن را با دقت بیشتری دنبال‌می‌کنند.

از پیشنهاد هسته‌ای بوتین تا آمادگی روسیه برای گفت‌وگو

در کنار چینی‌ها، اکنون روس‌ها نیز از تمایل خود برای میانجیگری و کمک به پایان بحران میان ایران و آمریکا سخن می‌گویند. مسکو از راه‌های مختلف برای بازگرداندن بحران در سال‌های اخیر تمهید کرده، هم‌زمان با تأکید بر ضرورت گفت‌وگو، یک پیشنهاد مشخص هسته‌ای را نیز همچنان روی میز نگه داشته است؛ پیشنهادی که بر انتقال اورانیوم غنی‌شده ایران به روسیه موضوع مشخص است، «چرا پول به‌موقع برگشته‌اند؟» و پرسش بعدی شاید حتی مهم‌تر باشد: «آیا برای تأخیر در بازگشت پول سازوکاری وجود داشته یا زمان بازگشت ارز عملاً در اختیار تراستی قرار گرفته است؟». اگر پاسخ این سؤال روشن نشود، بخش مهمی از ابهام پرونده نیز روشن خواهد شد.

از پیشنهاد هسته‌ای بوتین تا آمادگی روسیه برای گفت‌وگو
در کنار چینی‌ها، اکنون روس‌ها نیز از تمایل خود برای میانجیگری و کمک به پایان بحران میان ایران و آمریکا سخن می‌گویند. مسکو از راه‌های مختلف برای بازگرداندن بحران در سال‌های اخیر تمهید کرده، هم‌زمان با تأکید بر ضرورت گفت‌وگو، یک پیشنهاد مشخص هسته‌ای را نیز همچنان روی میز نگه داشته است؛ پیشنهادی که بر انتقال اورانیوم غنی‌شده ایران به روسیه موضوع مشخص است، «چرا پول به‌موقع برگشته‌اند؟» و پرسش بعدی شاید حتی مهم‌تر باشد: «آیا برای تأخیر در بازگشت پول سازوکاری وجود داشته یا زمان بازگشت ارز عملاً در اختیار تراستی قرار گرفته است؟». اگر پاسخ این سؤال روشن نشود، بخش مهمی از ابهام پرونده نیز روشن خواهد شد.

دوحه در خط مقدم میانجیگری؛ اختلاف تهران و واشینگتن بر سر «ترتیب تعهدات»

در میان موج اعلام آمادگی کشورها برای میانجیگری میان ایران و آمریکا، این قطری‌ها هستند که به شکل ملمی در کرون دیپلماتیک قرار گرفته‌اند. دوحه با جدیت و تحرکی فرازنده در حال رایزنی، انتقال پیام و ارائه پیشنهادهایی برای نزدیک‌کردن موضوع دو طرف است و به نظر می‌رسد دوحه تازه تلاش‌های دیپلماتیک دوحه در روزهای پیش‌رو نیز ادامه خواهد یافت و نگاه‌ها را به نقش این کشور در جلوگیری از فروپاشی کامل مسیر دیپلماتیک دوخته است. براساس گزارشی که الجزیره منتشر کرده، مذاکرات میان ایران و آمریکا در روزهای اخیر به شکل تمرکز بر دیپلماتیک فرایند‌ای بوده و مجموعه‌ای از پیشنهادها را برای نزدیک‌کردن دیدگاه‌ها از طرف مطرح کرده است. براساس این گزارش، تهران در حال بررسی این پیشنهادها در شورای عالی امنیت ملی است و فضای مذاکرات، با وجود تداوم اختلافات بر

شرق

سر چگونگی مذاکره و پرونده هسته‌ای، «نسبتاً مثبت» ارزیابی شده است. الجزیره همچنین گزارش داده احتمال دارد واشینگتن پیشنهادهایی برای «ترتیب‌بندی جدید» توافق با ایران ارائه کرده باشد. این موضوع به گفته یک تحلیلگر، می‌تواند به معنای تلاش آمریکا برای تغییر زمان‌بندی طرح پیشنهادی ایران باشد. لوسیانوژاکار، دانشیار مدعو دانشگاه جورج‌تاون در قطر، دراین‌باره گفته است اختلاف اصلی لزوماً بر سر اصل موضوعات مورد مذاکره نیست، بلکه بر سر نحوه اجرا و توالی مراحل توافق است. در همین حال، گزارش اخیر روزنامه «صبح نو» به عنوان رسانه نزدیک به قالیلیاف، از جزئیات دیگری درباره پیشنهاد جدید آمریکا حکایت دارد. براساس این گزارش، پیشنهاد واشینگتن همچنان بر شالوده «تفاهم اسلام‌آباد» استوار است، اما این بار تعیین «نقشه‌راه مسیر مذاکرات نهایی» نیز به آن افزوده شده است. این گزارش مدعی است آمریکایی‌ها خواهان ورود طرفین به مذاکرات هسته‌ای از همان مرحله تفاهم اولیه هستند؛ درحالی‌که تهران درباره نحوه ورود به مذاکرات هسته‌ای و جدول زمانی آن، به دلیل بی‌اعتمادی و واشینگتن، ملاحظاتی دارد. براساس همین روایت، اختلاف اصلی اکنون بیش از آنکه صرفاً بر سر اصل مذاکره باشد، به ترتیب و زمان‌بندی اجرای تعهدات بازمی‌گردد. در مدل مورد نظر ایران، ابتدا باید تعهدات آمریکا اجرا شود و پس از آن، تهران وارد مراحل بعدی و مذاکرات برای توافق نهایی در یک بازه زمانی مشخص آغاز شود. در مقابل، پیشنهاد منتسب به آمریکا ظاهراً خواهان ترسیم مسیر مذاکرات هسته‌ای از همان تفاهم اولیه است. این وضعیت نشان می‌دهد قطر در این مرحله صرفاً نقش انتقال‌دهنده پیام را ایفا نمی‌کند، بلکه تلاش دارد میان دو چارچوب متفاوت برای خروج از بحران، زمینه‌ای برای نزدیک‌شدن دیدگاه‌ها پیدا کند. پیش‌تر نیز قطر در کنار دیگر میانجی‌ها در انتقال پیام‌های تهران و واشینگتن نقش داشته است. اکنون نگاه‌ها به هفته آینده دوخته شده که بنا بر ارزیابی الجزیره، می‌تواند شاهد تشدید تحرکات دیپلماتیک باشد. با این حال، مسیر مذاکره همچنان شکننده است و احتمال بازگشت تنش نظامی نیز منتفی نیست. در چنین شرایطی، تلاش فشرده قطر را باید بخشی از دیپلماسی چندلایه‌ای دانست که هدف آن حفظ کانال ارتباطی میان تهران و واشینگتن و جلوگیری از بسته‌شدن کامل راه گفت‌وگو است. در نهایت، آنچه از مجموعه گزارش‌ها برمی‌آید این است که گره اصلی مذاکرات فعلی نه در اصل تماس و مذاکره، بلکه در ترتیب اجرای تعهدات، زمان ورود به مذاکرات نهایی و تضمین پایندی طرفین نهفته‌ است و قطر اکنون در تلاش است با انتقال پیام‌ها و پیشنهادهای متقابل، راهی برای بازکردن این گره پیدا کند.

پیام تهران به میانجی‌ها؛ از «هفت شرط» ایران تا «طرح هفت‌روزه»

در مقابل موج فراینده تلاش‌ها برای میانجیگری میان ایران و آمریکا، به‌ویژه تحرکات فشرده قطر برای میانجی‌گری و نزدیک‌کردن موضوع دو طرف، روایت تهران و مقام‌های کشورورمان نیز با صراحت بیشتری در حال تبیین است. در روایت مذکور، تهران از یک سو بر بازبودن مسیر دیپلماسی و آمادگی برای دستیابی به راه‌حلی سیاسی تأکید دارد و از سوی دیگر، بازگشت به مذاکره را بدون اجرای تعهدات مشخص آمریکا و تأمین شروط ایران کافی نمی‌داند. در این چارچوب، محمدمباقر قالیلیاف، عباس عراقچی و اسماعیل بقایی، هر یک از زاویه‌ای، خطوط اصلی نگاه تهران به مذاکرات و میانجیگری‌ها را تشریح کرده‌اند. محمدمباقر قالیلیاف، رئیس مجلس، در نطق پیش از دستور روز یکشنبه خود با اشاره به پیشنهادهایی که به‌تازگی از طریق میانجی‌ها از سوی آمریکا مطرح شده، تأکید کرد موضع ایران روشن است و تا زمانی که «هفت شرط» مورد نظر تهران براساس تفاهم اسلام‌آباد محقق نشود، تنگه هرمز باز نخواهد شد. او هم‌زمان هشدار داد تهران تحت تأثیر اظهارات متناقض مقام‌های آمریکایی قرار نمی‌گیرد و سیاست‌های خود را بر مبنای «رفتار و عمل واقعی» طرف مقابل تنظیم می‌کند. نه مواضع رسانه‌ای و اظهارات روزانه. قالیلیاف در عین حال بر راهبرد توانمندان و میدان دیپلماسی تأکید کرد و گفت ایران نه دچار هرجان می‌شود و نه مغرور خواهد شد و هم‌زمان از ظرفیت نظامی و دیپلماتیک خود استفاده می‌کند. از نگاه رئیس مجلس، مذاکره زمانی می‌تواند مؤثر باشد که در کنار آن، آمادگی برای مقابله نیز وجود داشته باشد.در همین حال، عباس عراقچی، وزیر امور خارجه، تصویری متفاوت اما مکمل از موضع تهران ارائه کرده است. او با اشاره به حضور هیئت ایرانی در مجمع عمومی سازمان ملل عنوان کرد ایران در نیویورک طرحی موسوم به «طرح هفت‌روزه» ارائه کرده که در صورت بررسی و اجرای آن، امکان بازگشایی تنگه هرمز طرف هفت روز فراهم خواهد شد. عراقچی این طرح را نشانه جدیت ایران برای یافتن راه‌حل صلح‌آمیز دانست و تأکید کرد تهران همان‌گونه که در دفاع از خود جدی است، در مسیر دیپلماسی نیز جدیت دارد. وزیر خارجه تصریح کرد اگر طرف مقابل بار دیگر مسیر نظامی را انتخاب کند، ایران پاسخ خواهد داد، اما در صورت تمایل به راه‌حل دیپلماتیک، تهران برای رسیدن به یک راه‌حل «عدالانه و شفاف‌اندانه» آماده است. او همچنین تأکید کرد شروط ایران برای بازگشایی تنگه هرمز، در چارچوب تعهداتی تعریف شده که آمریکا باید بپذیرد. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه نیز در نشست خبری روز یکشنبه خود جزئیات بیشتری از محتوای پیام‌های ردوبدل‌شده از طریق میانجی قطری ارائه کرد. به گفته او، پیشنهادهای آمریکا عمدتاً در امتداد مواضع قبلی واشینگتن و مشخصاً نظیر بر موضوعات هسته‌ای بوده. درحالی‌که ایران در مرحله فعلی تمرکز خود را بر مسئله تنگه هرمز گذاشته است. بقایی تصریح کرد بازگشت امنیت به هرمز نیازمند اقداماتی از سوی آمریکاست؛ از جمله توقف اخلاخل در دریانوردی تجاری ایران، توقف تحریم‌ها و سایر اقدامات مداخله‌جویانه. به تعبیر او، علاوه بر موارد درج‌شده در تفاهم پیشین، اقدامات و تحریم‌هایی که طی ماه‌های اخیر اعمال شده نیز باید در روند بررسی شروط این لحاظ شود.

سخنگوی وزارت خارجه همچنین گفت ملاحظات آمریکا از طریق میانجی قطری به تهران منتقل و بررسی شده و ایران نیز پاسخ خود را ارائه کرده است؛ با این حال، بررسی جزئیات ادامه دارد و نکات تکمیلی پس از جمع‌بندی تهران به طرف مقابل منتقل خواهد شد. بین خطوط این مواضع مقامات کشور نشان می‌دهد در روایت رسمی تهران، میانجیگری‌ها به معنای پذیرش هر پیشنهاد یا ورود فوری به مذاکرات نهایی نیست، بلکه کانال دیپلماسی همچنان باز است، اما پیشرفت آن به چگونگی اجرای تعهدات و تأمین شروط ایران ربط خواهد داشت. در این میان، قطر همچنان یکی از مهم‌ترین کانال‌های انتقال پیام است و آینده این مسیر تا حد زیادی به این بستگی دارد که آیا دو طرف می‌توانند بر سر ترتیب اجرای تعهدات و چارچوب بازگشت به مذاکرات به تفاهم برسند یا نه. در کنار ادبیات دیپلماتیک مقام‌های سیاسی کشور و تأکید آنان بر ضرورت بهره‌گیری از ظرفیت میانجیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای مهار تنش‌ها، موضوع‌گیری تازه برنامسه خبرنای علی عبداللهی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و فرمانده قرارگاه خرم‌الذین،الانبار، واجد پیام و هشدارهای متفاوت است؛ موضعی که اگرچه به‌صراحت از پایان‌یافتن فرصت میانجیگری سخن نمی‌گوید، با ترسیم پیامدهای آغاز جنگی دیگر، این هشدار را در خود دارد که در صورت ناکامی مسیرهای دیپلماتیک و وقوع درگیری، دامنه تبعات آن به تمامی منطقه گسترش خواهد یافت.

سردار عبداللهی در پیامی با هشدار درباره احتمال آغاز جنگی جدید علیه ایران تأکید کرد که در صورت توقف آتش این دامن همه هسته‌ای ایران را رد کرد و آن را ادعایی با هدف تهدیدآمیز نشان‌دادن فعالیت‌های هسته‌ای ایران خواند. عبداللهی در پایان نیز با هشدار به بازآزس بین‌المللی انرژی اتمی درباره اظهارنظرهایی بی‌پایه در مورد تأسیسات هسته‌ای ایران، بر آمادگی کامل نیروهای مسلح برای مقابله با هرگونه تهدید تأکید کرد. اکنون، بیش از هر زمان دیگری، مرز میان مسیر میانجیگری و احتمال بازگشت به جنگ باریک و شکننده شده است؛ وضعیتی که روزهای پیش‌رو تعیین خواهد کرد آیا دیپلماسی و تلاش‌های میانجیگرانه می‌تواند بار دیگر بر منطق تقابل غلبه کرده و مانع از شعله‌ورشدن جنگی دیگر شوند، یا اینکه بحران از آستانه دیپلماسی عبور خواهد کرد.